مورخ ۱۶یا ۱۷ سپتامبر ١٩١١ در کليسيای سنت جان وست منستر در لندن: دربارهٔ عدم توانایی ادراک خداوند و نیاز به مظاهر ظهور

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۱۶یا ۱۷ سپتامبر ١٩١١ در کليسيای سنت جان وست منستر در لندن: دربارهٔ عدم توانایی ادراک خداوند و نیاز به مظاهر ظهور[[1]](#footnote-1)

#### (خطابات جلد اول، ص. ۲۶-۲۹)

هُوالله

مظاهر الهيه حکايت از فيوضات غيبيه مينمايند و انعکاس شمس حقيقتند، زيرا حقيقت الوهيت مقدس از ادراک بشر است. آنچه بتصور انسان آيد صور خياليه است و وجود ذهنی دارد نه حقيقی و محاط است. ولی انسان وجود حقيقی دارد و محيط است. پس الوهيتی که از مدرکات عالم انسانی است تصورات خياليه محض است نه حقيقت الوهيت، زيرا حقيقت الوهيت محيط است، نه محاط وجود حقيقی است نه وجود ذهنی.

مثال اين مطلب اينکه با وجودی که جماد و نبات و حيوان و انسان جميع از حقايق امکانست، معذلک جماد از عالم حيوان خبر ندارد و تصور آن نتواند و ادراک نکند، و همچنين نبات هر قدر ترقی نمايد و در نهايت درجه کمال جلوه کند، از عالم حيوان خبر ندارد و ادراک ننمايد، بکلی بيخبر است سمع و بصر ندارد، ادراک و تفکر نتواند. و همچنين حيوان آنچه در رتبه خويش ترقی نمايد و حواس و احساسات در نهايت قوت باشد، باز از قوه عاقله انسان خبر نگيرد و تصور نتواند، بلکه اسير محسوس است. مثلا حيوان حرکت ارض و سکون آفتاب را ادراک نکند و کرويت ارض را تصور نتواند و قوه کهرباء ادراک ننمايد و ماده اثيريه را بخاطر نيارد. با وجودی که جماد و نبات و حيوان و انسان کل از حقايق امکانيه اند، ولی تفاوت مراتب مانع و حائل که مادون ادراک حقيقت ما فوق نمايد. با وجود اين چگونه حقيقت حادثه ادراک حقيقت قديمه نمايد، تراب احاطه بربّ الارباب کند؟ و اين واضح و مشهود است که ممتنع و محال است.

ولی حقيقت الوهيت شمس حقيقت تجلی بر آفاق نموده و بجميع اشياء پرتوی انداخته؛ هر شيئی را از اين فيض بهره ای. امّا حقيقت انسانيه که جامع کمالات جمادی و نباتی و حيوانی است و فضلا علی ذلک، حائز کمالات انسانيست، اشرف کائناتست. لهذا محيط بر جميع ممکنات است، حقايق و اسرار و خواص موجودات را که سر مکنون و رمزمصون است کشف نموده، از حيّز غيب بحيّز شهود آورده. چنانچه اين علوم و صنائع و اکتشافات موجود هريک در زمانی سر مکنون بوده ولی حقيقت انسانيه کشف آن نموده، و از حيّز غيب بحيّز شهود آورده . مثال آن قوه جاذبه و همچنین سائر کشفیات، وقتی مجهول بوده و در حیّز غیب مستور به حیّز ولی حقیقت انسانیه کشف آن سر پنهان نموده و در عالم ظهور آشکار کرده.

پس ثابت و محقق شد که حقيقت انسانيه محيط بر جميع کائناتست و اشرف موجودات، علی الخصوص فرد کامل آن. فرد کامل بمنزله آينه است، در نهايت لطافت و صفا و مقابل شمس حقيقت. لهذا نور ربوبيت، کمالات الهيه در اين مرآت صافيه به اشدّ ظهور، واضح و آشکار. حال اگر بگوئيم در اين آينه آفتابست مقصد آن نيست که آفتاب از علوّ تقديس خويش نزول نموده و در اين آينه حلول کرده زيرا اين محالست. قلب ماهيت ممکن نه، قديم حادث نگردد و حادث قديم نشود، بلکه آن حيّ قديم تجلّی در اين آينه نموده و حرارت و انوارش تابيده و در نهايت جلوه و ظهور است. هذا هو الحق المبين و ما بعد الحق الّا الضلال المبين.

ای پروردگار، ای آمرزگار، اين محفل بذکر تو آراسته و اين جمع توجه بملکوت تو نموده دلها پر مسرت است و جانها در نهايت بشارت. خداوند مهربانا اين جمع را شادمان کن و در ملکوت خويش کامران فرما. گناه ببخش، پناه بده آگاه کن و به بارگاه ملکوت در آر. توئی دهنده توئی بخشنده و مهربان آمين.



1. نطق مبارک یکشنبه ۲۳ رمضان سنه۱۳۲۹مطابق۱۶ سپتامبر سنه ١٩١١ در کلیسای سنت جان

   وست منستر در لندن [↑](#footnote-ref-1)